

با مردم

چرا تعدادی از آسانسورهای متروی تهران بی‌استفاده است

بسیاری از ایستگاه‌های متروی تهران آسانسور دارند اما بعضی از آسانسورها فعال هستند. اگر قرار بود این آسانسورها بهتر برداری نشوند چرا چنین هزینه سنگینی برای ساخت آنها صورت گرفته و حالا که هزینه شده چرا برای استفاده عموم دایر نیستند؟

علیزاده از تهران
روزانه ۱۰۰هزار تومان در آمدم است با خرج روزی ۲۵۰هزار تومان

در آمد من ماهانه ۳ میلیون تومان است که یک میلیون تومان آن بابت اجاره می‌رود. ۲ فرزند ۷و ۷ ساله دارم و اگر فقط نان و تخم مرغ بخوریم با صرفه‌جویی بسیار در هزینه بچه‌ها و بدون هیچ ریخت و پاشی روزی ۲۵۰هزارتومان هم خرج خانه است و حتی اضافه کاری و دستفروشی بعد از ساعت کار هم نیازهای خانواده را تامین نمی‌کند. یک بنده خدا به من بگوید چه کنم.

لاسمی از ارومیه
کم فروشی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای بی‌داد می‌کند
بسیاری از فروشگاه‌های زنجیره‌ای تغییرات محسوسی در قیمت‌ها داشته‌اند با این حال ضمن گران شدن اقلام مختلف وزن آنها نیز کاهش یافته است. آیا واقعا کم فروشی در کشور امری بدیهی و عادی شده است.

وامدار از تهران
ارسال پیام کوتاه خوانندگان

پیامک

مخازن زیاله محله جمهوری نیاز مند شست وشو
مخازن زیاله در محله جمهوری به‌خصوص در محدوده اسکندری و چنگیزی نیازمند شست‌وشو هستند. به‌دلیل تراکم جمعیت در این مناطق مخازن زیاله بیش از مناطق دیگر سرسریز و آلوده می‌شوند و بدیهی است که بیشتر نیازمندی‌مست‌وشو و نظافت هستند. گرمی هوا و جاری شدن شیرابه‌ها باعث جمع شدن حشرات و جانوران موذی و آلودگی محیط و بوی تعفن شده است.

قره داغی از تهران

ر یختن نماد تنگ و رشو در وجود یعنی هدر دادن سرما یه شهر

نماد تنگ و رشو قرار بود در میدان امام حسین(ع) ساخته شود که در زمان ساخت فروریخت درحالی‌که مسئولان اعلام کرده بودند به‌زودی تکمیل و بهره‌برداری می‌شود. خدا را شاکریم قبل از بهره‌رداری فرو ریخت و کسی آسیب ندید اما یک نفر نباید جواب بدهد چرا این نماد فروریخت و چه‌کسی مسئول هدر دادن سرمایه مردم شهر است؟
حسینی از بروجرد

کمبود اتوبوس در مسیر خاوران به دانشگاه علم و صنعت

متأسفانه تعداد اتوبوس‌های بی‌آر تی در خط خاوران به دانشگاه علم و صنعت بسیار کم است و گاهی معطلی مسافران به بیش از نیم ساعت می‌رسد. وقتی هم اتوبوس می‌آید، غلغله جمعیت است و حتی خود رانندگان هم از کمبود اتوبوس و از رده خارج شدن تعدادی از اتوبوس‌ها گلاجه دارند.

کمیود اتوبوس در مسیر خاوران به دانشگاه علم و صنعت
متأسفانه تعداد اتوبوس‌های بی‌آر تی در خط خاوران به درخصوص جلوگیری از افزایش اجاره بها به تصویب رسیده است که می‌توانند تا حدی در کنترل اوضاع نابسامان رهن و اجاره، مفید باشند اما معلوم نیست ضمانت اجرایی این طرح‌ها و مصویات چیست؟

غفلت از حفظ فضای سبز به ضرر همگان است
در شرایط فعلی که تازه از بند کرونا رسته‌ایم و به امید خدا دیگر بازنخواهد گشت و با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی رسیدگی به فضاهای سبز کم‌رنگ شده است درحالی‌که حفاظت از فضای سبز نبایدحتی در ایام بحران هم موردغفلت قرار بگیرد زیرا باعث ضربه و زیان به کل شهروندان خواهد شد.

پلیس راه البرز برای سسرعت مجاز اتوبان سلیقه‌ای عمل کرده است
وقتی سرعت مجاز در جاده‌های دوبانده خارج از شهر ۱۱۰ کیلومتر است چرا پلیس راه استان البرز حداکثر سرعت در بزرگراه کرج -فرزین را ۹۰ کیلومتر اعلام کرده‌و با جریمه عملا باعث ترافیک و اختلال در حرکت در اتوبان شده‌است؟
اصولا بزرگراه برای تسهیل رفت‌وآمد درست شده نه اینکه با محدودیت ناپجا عکس آن عمل شود.

پاسخ مسئولان
امکان ارائه کارت بلیت برای تشویق دوچرخه سواران نمی‌باشد
روابط عمومی شرکت بهره‌برداری قطارهای شهری تهران و حومه پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان طرح‌های تشویقی دوچرخه‌سواران کارت بلیت باشد در ستون با مردم روز اول خردادماه پاسخ داده‌است: «ضمن تشکر از مسافران گرمای به اطلاع می‌رساند با توجه به اینکه شهر تهران ابلاغ می‌شود، لذا بلیت توسط شورای اسلامی شهر تهران ابلاغ می‌شود، لذا برای صدور کارت بلیت نیازمند مصوبه شورای اسلامی شهر هستیم. مسافران گرمای می‌توانند از بلیت‌های تخفیف دار که شامل همه مسافران مترو می‌شود استفاده کنند.»

حوادث

اظهارات عجیب دزد مسلح طلاروشی در دادسرا

می‌خواستم کسب‌وکار خودم را داشته باشم

مرد ۳۷ساله که به‌تازگی بیکار شده بود، نقشه سرقت مسلحانه‌از طلاروشی را کشید تا با فروش طلاهای سرتی، به‌گفته خودش کسب‌وکاری راه بیندازد و خرج زندگی‌اش را تامین کند اما تنها ۳۰دقیقه بعد از سرقت در حالی‌که قصد گروگانگیری داشت، دستگیر شد.
به گزارش همشهری، ساعت ۱۶ یکشنبه پنجم تیر ماه امسال مغازه‌داران خیابانی در قرچک ورامین شاهد حادثه عجیبی بودند. مرد جوانی که یک کیف روی دوشش بود و اسلحه‌ای در دست داشت، با عبور از میان دستفروشان به سمت یک مغازه طلاروشی رفت و یک وسیله آتش‌زا به سمت ویتترین مغازه پرتاب کرد. او سپس مقداری بنزین روی آتش ریخت و در نهایت با سلاحی که در دست داشت، به سمت ویتترین طلاروشی شلیک کرد. مرد جوان در مقابل چشمان بهت‌زده شاهدان شیشه ویتترین را شکست و بخشی از طلاهای ویتترین را برداشت. در همین هنگام اُپر مغازه به صدا در آمد و همین اتفاق استرتر به جان سارق مسلح انداخت. او ناگهان با اسلحه به سمت جمعیت بر گشت و با تهدید مرد پا به فرار گناشت.

تعقیب و گریز

دزد مسلح پس از سرقت سوار بر خودروی پژو ۴۰۵ نفرهای خود شد تا فرار کند اما مأموران گشت پلیس قرچک که در همان حوالی بودند، به تعقیب متهم پرداختند. سارق وقتی متوجه شد پلیس در تعقیبش است، پایش را روی بدال گاز گذاشت و به سمت تهران حرکت کرد. مأموران که در تعقیب او بودند، چندین بار دستور ایست دادند و در نهایت به سمت خودروی وی تیراندازی کردند که شیشه پشت خودرو و شکست اما متهم حاضر به تسلیم شدن نبود. از سوی دیگر پلیس قرچک برای بازداشت سارق مسلح که در حال فرار بود، در خواست نیرو کرد که مأموران پلیس تهران نیز وارد عمل شدند. وقتی سارق وارد حوزه استحفاظی تهران شد و به حوالی سهره آفسریه رسید، بر تعداد خودروهای پلیس افزوده شده بود و سارق شروع به تیراندازی به سمت مأموران کرد که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. مأموران در ادامه لاستیک خودروی سارق را نشانگر گرفتند و آن را متوقف کردند. مرد مسلح ناچار شد از خودرو پیاده شود و به سمت خودروهای عبوری برود که قصد داشت با گروگان‌گرفتن یکی از راننده‌ها به فرارش ادامه بدهد اما نقشه‌اش نافرجام باقی ماند و مأموران موفق شدند پیش از اقدام به گروگانگیری، وی را دستگیر کنند. به‌گفته سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران، در بازرسی از خودروی متهم ۱۳فشنگ، ۲خشب‌آ و ۱۲التکوئ سرتتی که حدود ۲۰۰گرم طلا می‌شد، کشف شد. سرهنگ موقوفه‌ای با بیان اینکه متصدی طلاروشی هم‌اکنون با توجه به صدمه وارده در بیمارستان در حال مداواست، خاطرنشان کرد، تحقیقات بیشتر برای کشف جزئیات پرونده ادامه دارد.

اعضای خانواده مقتول قرار است به زودی محاکمه شوند

قتل دختر ۳ساله در مراسم جن‌گیری

برادر ام را به اتاق خواب بردیم، برایش دعا خواندیم و بعد راهی کلیسای شیدم که پدرم کنیاش آنجا بود.

خارجی
حدود یک سال پس از قتل هولناک دخترپهچه ۳ساله در مراسم جن‌گیری در کلیسای در کالیفرنیا، دادستان‌ها ۳عضو خانواده این کودک را در این حادثه مجرم شناخته و قرار است هر سه نفر آنها را به‌زودی در یک جلسه مشترک پای میز محاکمه بکشانند.
به گزارش همشهری به نقل از سسی‌بی‌اس، حادثه مرگ آری، دخترپهچه ۳ساله که خانواده‌اش معتقد بودند بدنش به تسخیر شیطان درآمده است پاییز سال گذشته میلادی در کلیسایی در شهر سانتاکلارا کالیفرنیا رخ داد. آری ۳ساله نیمه‌شب ۲۳سپتامبر ۲۰۲۱ گریه‌کنان از خواب بیدار شد. این تنها شسبی نبود که او با گریه از خواب بیدای می‌شد و گریه‌های بی‌وقفه او خانواده‌اش را آشفته می‌کرد. آن شب اما وقتی آری گریه‌کنان از خواب برید، مادر و دای اش او را به اتاق خواب بردند و برایش دعا خواندند؛ سپس او را اسوار ماشین کرده و با خود به کلیسایی بردند که پدربزرگ آری کنیاش آنجا بود. مادر آری بعدها که از نسوی پلیس دستگیری شد، درباره شب حادثه چنین گفت: من غمناک داشتم که جسم دخترم توسط شیطان تسخیر شده بود چرا که او به‌صورت دوره‌ای شب‌ها با گریه و فریاد از خواب بیدار می‌شد و رفتارش چنان تغییر می‌کرد که نمی‌توانستیم آرامش کنیم.برای همین مطمئن شده بودیم که شیطان وارد جسم او شده و با برادر و پدرم تصمیم گرفته بودیم، اگر این اتفاق دوباره رخ داد، طی یک مراسم، شیطان را از بدنش خارج کنیم. او ادامه داد: شب ۲۳سپتامبر، این اتفاق دوباره رخ داد و وقتی دخترم با فریاد و گریه از خواب برید، به همراه

می‌خواستم کسب‌وکار خودم را داشته باشم

بیگاری به‌من فشار آورده بود
متهم متولد سال ۶۴است. او دیروز برای تحقیق به شعبه‌ای اول بازپرسی دادسرای ویژه سرقت منتقل شد و پس از تحقیقات با او از آنجا که چرم در قرچک ورامین اتفاق افتاده بود، باز پرس دیگری پرونده راه دادسرای قرچک فرستاد تا در آنجا به این پرونده رسیدگی شود. گفت‌وگو با این سارق مسلح را بخوانید.

چرا کارت را ز دست داده بودی؟
من در کار خانه تولید بستنی کار می‌کردم. کار را ادامه‌مان برایم جور کرده‌بود. دامادمان مدبر بخشی در کارخانه بود اما مدتی قبل با پدرم دچار اختلاف شده‌بود. همین اختلاف، دامن مرا هم گرفت و موجب شد تا دامادمان مرا از کار خانه‌خارج کند.
بعد تصمیم به سرقت مسلحانه گرفتی؟!
من خلاف‌کار نیستم. هیچ سابقه‌ای ندارم و این نخستین بار است که دست به خلاف می‌زنم که خب کارم اشتباه بود. راستش بیست‌اینکه بیکار شدم، از صبح تا شب به‌دنبال کار بودم اما نتوانستم کار مناسبی پیدا کنم. با وجود این با ما شینم مسافر کشی می‌کردم، اینطور نبود که بیکار بنشینم آن هم در این شرایط اقتصادی. اما زندگی‌ام رو به تیاهی رفته بود و خرج خانواده‌ام تامین نمی‌شد. تا قبل از این، هم در کار خانه کاری کرده‌م مسافر کشی. با این حال هنوز به آ خر ماه نرسیده پول کم می‌آوردم و حال مدتی بود که کار اصلی‌ام را هم از دست داده‌بودم همه‌بابنه‌ها می‌فشار می‌آورد.

متاهی؟

یک دختر ۷ماهه دارم و می‌دانید که تا من هر هزینه‌های بچه چقدر سخت‌است. از طرفی ماهی ۵،۵ میلیون تومان گرایه‌خانه می‌دهم و قسط وام هم دارم. شاید باور نکنید اما من ۱۲بار می‌خواستم دست به‌خودکشی بزنم اما به‌خاطر فرزندم بی‌خیال شدم. به‌خاطر اینکه بیکار شده‌بودم، ناچار شدم از اطمینان پول قرض بگیرم و بدیهی داشتم، همه اینها دست به‌دست می‌دهم تا اینکه فکر سرقت از طلاروشی به‌سرزم زد.

حالا چرا سرقت از طلاروشی؟
هر روز آمار قیمت طلا در بالا داشتیم. با خودم گفتم اگر طلا سرقت کنم، می‌توانم طلاهای سرتتی را بفروشم و یک کم کسب و کار برای خودم راه بیندازم تا سرم آرام‌اشیابم بود.

طلاروشی را چطور شناسایی کردی؟

طلاروشی در نزدیکی خانه‌مان بود من ۱روز قبل آنجا را رصد کرده‌م و دانستم حوالی ظهر، مغازه‌دار، طلاروشی را تعطیل می‌کند و بین ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ بهترین زمان برای سرقت است. اسلحه را هم ۲ هفته قبل به همراه خنک‌خواب و فشنگ تهیه کرده‌بودم اما قصد استفاده‌از آن را نداشتم و نمی‌خواستیم به کسی آسیب برسانم. فقط قصدم این بود که با اسلحه، مغازه‌دار یا مردم

در روز روشن و جمعیتی که اطراف طلاروشی بود **چطور ریسک کردی و دست به سرقت زدی؟**

دیگر رفته بودم برای انجام سرقت و در آن لحظه فقط به این فکر می‌کردم که طلاها را بردم و فرار کنم.

چرا آتش به پا کردی؟

می‌خواستم دود ناشی از آتش، دوربین‌ها را محو کند و چهره‌ام ثبت نشود. از طرفی دیگر مردم متوجه نشوند یعنی دود آتش، دید آنها را محدود کند.



حضور داشته‌اند.
مسادر آری، ز زمانی که دستگیری شد، روایت‌های مختلفی از مرگ دخترش بیان کرد. او در همه مراحل بازجویی، خود را مقصر ندانست و گفت: همه می‌خواهند بداندن چه اتفاقی برای دخترم افتاده است. می‌دانید علت مرگ او چیست؟ خدا او را گرفت. دلایل زیادی وجود دارد که خدا دخترم را از ما گرفت. یکی اینکه می‌خواست او بیشتر از این‌جا عزاب نکند، برای همین من بابت این ماجرا سیاست‌گزارم. اینکه دخترم در دنیا بی که ما در آن زندگی می‌کنیم بزرگ نمی‌شود، خوش‌حال کننده است. او در جای بهتری است.

به‌رغم اینکه مادر آری حاضر نبود درباره جزئیات آن شب هولناک به پلیس چیزی بگوید، اما در ادامه و با بررسی‌های بیشتر نقش دایی و پدربزرگ دخترپهچه در این ماجرا برای پلیس فاش شد و یک ماه بعد از مرگ بود که آنها توسط پلیس بازداشت شدند. با این حال

حضور داشته‌اند.

جزئیات تازه از حادثه مرگبار قطار مشهد- یزد

۱۸روز پس از واژگونی مرگبار قطار مشهد- یزد در حوالی طیس کمیسیون عالی سوانح راه‌آهن علت تأثیرگذار در وقوع این حادثه تلخ را اعلام کرد. به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۲۰:۲۰، ۱۵مرداد روز ۱۸خردادماه امسال در حوالی طیس واقع در استان خراسان جنوبی اتفاق افتاد. قطار مسافربری که با ۳۲۸مسافر از مشهد به‌سوی یزد به راه افتاده بود در حوالی طیس و در محلی که به‌سبازی ریل قطار در حال انجام بود با یک بیل مکانیکی برخورد کرد و چندین واگن آن از خط خارج شد. در جریان این حادثه دست کم ۱۲نفر از سرنشینان قطار جان خود را از دست دادند و شمار دیگری مصدوم شدند.

به‌دنبال وقوع این حادثه تحقیقات برای روشن شدن علت اصلی حادثه آغاز شد. در حالی که پیش از این برخی دلایل اصلی این حادثه اعلام شده بود، روز گذشته کمیسیون عالی سوانح راه‌آهن در دومین گزارش خود، ۶عامل را به‌عنوان عوامل مؤثر در این حادثه اعلام کرد. در این گزارش آمده است: «در تجزیه و تحلیل مستندات و اطلاعات به‌دست آمده عواملی که می‌توانست از وقوع سانحه جلوگیری کند، احصاء شد که به شرح ذیل اعلام می‌شود: الف) عدم رعایت سرعت مجاز توسط راهدان قطار مسافری. ب) انسداد غیرمجاز مسیر حرکت قطار مسافری توسط بیل مکانیکی. ج) واگناری مسئولیت راهداری قطار به کمک لکوموتیوران برخلاف مقررات عمومی سبیر و حرکت توسط لکوموتیوران. د) اعلام اتمام عملیات تعویض تراورس و برچیدن ایستگاه موقت قبل از جمع‌آوری ادوات و تجهیزات از روی خط آهن توسط

هم‌شهری

کوتاه از حادثه

پدر داماد، عروسی را عزا کرد

پدر داماد پس از پایان جشن عروسی پرسش درحالی‌که با تفنگ شکاری مشغول تیراندازی بود، ناخواسته باعث مرگ یک کودک و مجروح شدن آ نفر دیگر شد.

به‌گزارش همشهری، این حادثه بامداد بیروز (دوشنبه) در شهرک طلائیه ملارد واقع در غرب استان تهران اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که پس از برگزاری جشن عروسی، پدر داماد درحالی‌که یک تفنگ شکاری در دست داشت، برای انجام رسم نادرست تیراندازی در عروسی وارد آنجا شد. او شروع به تیراندازی هوایی کرد اما ناگهان به‌طور ناخواسته سانحه‌های شلیک‌شده به چند نفر از مهمانان برخورد کرد. در جریان این تیراندازی کودکی بر اثر تیراندازی جانش را از دست داد و آ نفر دیگر از جمله مادر و اکودک دیگر مصدوم شدند.

سرهنگ مهدی سر پناه، معاون اجتماعی فرمانده انتظامی غرب استان تهران در این‌باره گفت: در این حادثه سهیل انگاری پدر داماد باعث شد که گلوله‌های شلیک‌شده جان کودک خردسال را بگیرد و علاوه بر قربانی‌شدن یک کودک، مادر او و اکودک دیگر در بیمارستان بستری شدند که طبق گزارش رسیده حال مادر مساعد نیست.

او ادامه داد: حمل هر گونه سلاح سرد و گرم توسط شهروندی که مجوز حمل نداشته باشد، ممنوع است و با این مسئله حتماً برخورد می‌شود. هم‌کوتاه داماد و پدرش در بازداشت به‌سرمی‌برند و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

قتل مسلحانه بر سر قدرت نمای



قاتل مسلحی که به‌دلیل کری‌خوانی و قدرت‌نمایی جان دوستش را گرفته بود، پس از گذشت ۷ماه قرار دستگیر شد.

به‌گزارش همشهری، این حادثه در چهاردهم اردیبهشت اتفاق افتاد. آن روز به قاضی میثم حسین بور، بازپرس ویژه قتل شلیک رسیده که پسری جوان در یکی از خیابان‌های تهران بر اثر شلیک ۴گلوله به قتل رسیده است. بررسی‌ها حکایت از این داشت که مقتول روز حادثه به آرایشگاه رفته بود که پس از خروج از آنجا، هدف شلیک گلوله قرار گرفته بود. تحقیقات همچنین نشان می‌داد مردم تیرانداز سوار بر یک خودرو بوده است. او در حالی‌که به رصدلی شاگرد نشسته بود و فرد دیگری پشت فرمان بود به سمت مقتول تیراندازی کرده و بعد هر دوی آنها متواری شده بودند. تیم جنایی در ادامه به تحقیق از شاهدان پرداخت و فیلم‌های دوربین مدارسته را مورد بازبینی قرار داد تا اینکه هویت قاتل به‌دست آمد.

بررسی‌ها نشان می‌داد که قاتل از مدت‌قبل با مقتول درگیری و کری‌خوانی داشته است. آنها حتی در فضای مجازی هم مدام برای یکدیگر کری می‌خواندند تا اینکه آخرین بار قاتل در لایو اینستاگرام مقتول را تهدید کرده و حتی گفته بود که به‌زودی از او انتقام می‌گیرد. او روز حادثه وقتی متوجه شده بود که مقتول به آرایشگاه رفته، اسلحه‌اش را برداشته و به همراه یکی از نوجوه‌هایش راهی خیابان شده و پس از کمین بر سر راه مقتول، او را به قتل رسانده بود.

پایان زندگی مخفیانه قاتل

هویت متهم که به‌دست آمد، مأموران راهی محل زندگی او شدند اما او پس از قتل مسلحانه وسایلش را جمع کرده و فراری شده بود. انظور که مأموران در ادامه تحقیقات خود متوجه شدند، عامل جنایت از تهران خارج شده و مدام مخفیگاهش را تغییر می‌داد که همین کار پلیس را در به دام انداختن او دچار مشکل می‌کرد. با وجود این تحقیقات را آگاهان جنایی به شکل ویژه ادامه داشت تا اینکه مخفیگاه متهم و همدستش در اطراف تهران شناسایی شد و مأموران چندروز قبل عامل جنایت و نوجده‌اش را پس از ۷ماه فرار دستگیر کردند.

متهم به قتل در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش گفت: مقتول دوست صمیمی من بود اما چند وقتی می‌شد که با یکدیگر دچار اختلاف شده بودیم. هر کدام از ما نوجده‌های خودمان را داریم و مدتی بود که برای هم کری می‌خواندیم. وی ادامه داد: معمولاً بر سر قدرت‌نمایی کری‌خوانی داشتیم، او می‌گفت قدرت او بیشتر از من است و همین جمله اعصاب مرا به‌هم می‌ریخت. چرا که من قدرتم در محل از همه بیشتر بود و بچه‌های محل از من بیشتر حساب می‌بردند تا مقتول. متهم گفت: یک ماه قبل از قتل، مقتول به همراه دوستانش مرا به پارک محل کشاند و با چاقو مرا خط خطی کرد. او فریاد می‌کشید و قدرت‌نمایی می‌کرد و مدعی بود که گنده لات محل است. او می‌گفت زور و قدرت‌ش از من بیشتر است و این اتفاق باعث شد تا من پیش بچه‌های محل تحقیر شوم. از آن روز آتش جنایت شد تا روشن شد و تا انتقام نمی‌گرفتم آرام نمی‌شدم. حتی در فضای مجازی هم برای هم کری می‌خواندیم و در آنجا اعلام کردم که به‌زودی انتقام می‌گیرم. اما مقتول تهدیدهای مرا جدی نگرفته بود. من نیز اسلحه کلاشینکفی تهیه کرده‌روز حادثه به همراه دوستم سوار بر خودروی تیب، در مسیر او قرار گرفتم. زمانی که مقتول را دیدیم از پشت سر به او شلیک کردم و بعد فراری شدم. وی گفت:در این مدت در شهرهای مختلف زندگی می‌کردم و ۲۰روز قبل هم خودروی تیبیا و اسلحه‌های که با آن دست به جنایت زده بودم را در اطراف تهران رها کردم که پلیس خودرو را پیدا کرده بود. متهم به قتل پس از اقرار به جنایت مسلحانه به همراه همدستش که روز حادثه نقش راننده را داشت، بازداشت شدند و با دستور بازرس جنایی تهران برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.